



حقوق بشر، منشور جهانی حقوق بشر، نظام حقوقی غربی، نظام حقوقی اسلامی

حدیثه مولوی

دانشجوی حقوق-دانشگاه آزاد اسلامی شهرقدس

چکیده

حقوق بشر در جهان امروز، بیش از آنکه یک ابزار خاص حقوقی باشد ابزاری سیاسی برای فشار غربی ها بر جهان غیر غربی می باشد. اگرچه حقوق بشر غربی دارای مفاهیم مشترکی با حقوق بشر اسلامی از جمله توجه به برابری، آزادی، امنیت، عدالت و کرامت انسانی دارد به رغم این میتوان با رویکردی (منشور جهانی حقوق بشر) رابه عنوان سند حقوقی با متون و آموزه های حقوقی مخالف با آن، مورد بررسی تطبیقی قرار داد.

کلید واژه ها: حقوق بشر، منشور جهانی حقوق بشر، نظام حقوقی غربی، نظام حقوقی اسلامی



مقدمه: امروزه موضوع حقوق بشر یکی از مسائل حیاتی برای مردم و حکومت هاست. اگر چه حقوق بشر با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی مورد توجه و استقبال دولت‌ها و ملت‌های پس از جنگ جهانی دوم قرار گرفت، اما متأسفانه به دلیل حاکمیت فرهنگ‌ها، نژادها، زبان‌ها و مذاهب نتوانسته از ضمن حفظ جامعیت و مانعیت خود از ضمانت اجرای بین‌المللی حقوق برخوردار گردد.

به نحوی که برخی از جوامع بشری به فکر طراحی نظام حقوق بشری متناسب با نیازهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی خود برآمدند. حقوق بشر اسلامی از جمله نهادهای مطروحه در کشورهای اسلامی است که بنیان‌ها و بنیادهای خود را ریشه در منابع حقوق اسلام دارد که در مقایسه با حقوق بشر غربی از اصول و مبانی خاصی برخوردار است.

حقوق بشر چه در مفهوم غربی و چه در مفهوم اسلامی از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که امروزه دولت‌ها مشروعیت و مقبولیت خود را در وضع قوانین و مقررات حقوق بشری و حمایت و پشتیبانی از حقوق بشر می‌بینند. به بیان دیگر امروز حقوق بشر علیرغم وجود برخی نارسایی‌های مفهومی و اختلاف نظرهای مبانی و فقدان ضمانت اجرایی کافی و موثر در آن، کماکان به عنوان یکی از مهمترین عناصر گفتمان حقوقی و سیاسی دولت‌ها و جوامع بشری در حقوق بین‌الملل مطرح است.

لذا نادیده گرفتن آن در نظام حقوقی منجر به چالش کشیده شدن کارآمدی و مشروعیت نظام سیاسی در حقوق داخلی می‌شود و اعمال محدودیت‌ها و موانع متعددی در حقوق بین‌المللی خواهد داشت و این اساس دولت‌ها برای حفظ تداوم حیات سیاسی و انجام تعهداتی است، که به واسطه حقوق داخلی و خصوصاً حقوق بین‌الملل پذیرفته‌اند و ملزم به رعایت حقوق بشر هستند.

لازم به ذکر است در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران روز چهاردهم مرداد ماه روز (حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی) نام‌گذاری شده است.

روش تحقیق: این نوشتار بر آن است تا با بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشر در اسلام و غرب، کاستی‌های منشور حقوق بشر و برتری‌های حقوق اسلامی را بیان کند.

یافته‌ها

اصول حقوق بشر اسلامی^۱: در منظر علامه جعفری نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام مبتنی بر ۵ حق اصلی است

۱- حق حیات

۲- حق کرامت

^۱ حق و تکلیف در اسلام



۳- حق تعلیم و تربیت

۴- حق آزادی مسئولانه

۵- حق مساوات ناشی از اتحاد انسانها که عبارتند از:

۱- اتحاد در خالق یعنی خالق همه انسانها خداست

۲- اتحاد در حکمت الهی از خلقت انسان

۳- اتحاد در آغاز خلقت در طبیعت از یک پدر و مادر

۴- اتحاد در ماده خلقت یعنی خاک

۵- اتحاد در ماهیت و اصول مختصات جسمانی و مغزی و روانی

۶- اتحاد در کرامت ذاتی

۷- اتحاد در داشتن استعداد تحصیل کرامت ارزشی در به ثمر رساندن شخصیت انسانی

۸- اتحاد ناشی از جاذبه کرامت ارزشی میان انسانهای رشد یافته

۹- اتحاد فوق وحدت ها و کثرت های طبیعی

۱۰- اتحاد در هدف گیری ها

۱۱- اتحاد در برابر حقوق طبیعی و وضعی و قانون ضروری برای زندگی طبیعی و حیات معقول انسانها

مبانی و انگیزه های وضع حقوق بشر در غرب: منشا و انگیزه تدوین حقوق بشر در غرب را می توان مواردی چون رهایی از تحقیر و اهانت، همزیستی مسالمت آمیز با تحقق آزادی و عدالت و صلح جهانی بر مبنای حیثیت ذاتی انسان بر شمرد، این قضایا گزاره های ارزشی هستند که انگیزه بخش تدوین منشور شده اند.

مشترکات حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب^۲

میان حقوق بشر که اسلام مطرح کرده و اعلامیه حقوق بشر مشترکات زیر وجود دارد :

۱- هر دو نظام حق حیات را جدی تلقی کرده اند.

۲- حق کرامت و حیثیت انسانی را مورد توجه قرار داده اند.

۳- حق تعلیم و تربیت را از جمله اصولی دانسته اند که مسئولین جامعه مسئول تحقق آن هستند.

۴- حق آزادی را از حقوق اساسی تلقی کردند و دولت اجتماعی را مسئول برخورداری از این حق اساسی دانستند.

۵- حق مساوات در برابر حقوق و قوانین نیز مورد پذیرش هر دو نظام حقوقی است.

^۲ حلبی - علی اصغر - انسان در اسلام و مکتب غربی



علامه محمدتقی جعفری به بررسی این موارد پرداخته و تفاوت دیدگاه‌های دو طرف در این مسائل را نیز تشریح کرده است. به عنوان نمونه اسلام حق حیات را بخششی خداوندی می‌داند ولی در حقوق بشر غربی چنین استنادی وجود ندارد. به علاوه در حقوق بشر اسلامی بیان شده که از هیچ وسیله‌ای نمی‌توان برای نابودی حیات بشر استفاده کرد در حالی که در حقوق بشر غربی به چنین چیزی اشاره نشده است. در تفکر اسلامی کرامت ذاتی ناشی از عنایت خداوند به بندگان خویش است در حالی که در تفکر غربی، چون نظام انسان شناسی دقیقی وجود ندارد توجیه منطقی برای این اصل نمی‌توان یافت. در زمینه تعلیم و تربیت نیز حقوق بشر غربی تعلیم در سطح تحصیلات ابتدایی را واجب دانسته در حالی که در اسلام تعلیم و تربیت در طول عمر انسان ضروری دانسته شده است. همچنین از نظر اسلام تبلیغات و وسایل ارتباط جمعی باید در خدمت رشد و تعالی انسان‌ها باشد ولی در نظام‌های غربی این امور در خدمت نفع پرستی و لذت گرایی است.

مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر غربی: به نظر می‌رسد که بین این دو از جهاتی شباهت و سازگاری وجود دارد؛ مانند اصل حق حیات، اصل حق برخورداری از کار، ضرورت قانون‌گرایی افراد و جامعه، پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران، حق برابری و مساوات، نفی استبداد و حق آزادی..... اما بنا بر مبانی نظری در هر یک از این دو سیستم و نظام حقوقی تفاوت‌ها و گاه تضادهای نیز وجود دارد که موجب تمایز آنها از یکدیگر می‌شود.

عده ای هم از محققین و کارشناسان مسائل حقوق بشر و متخصصین مسائل اسلامی از مقایسه حقوق بشر اسلامی با حقوق بشرین المللی چنین استنباط می‌کنند که این دو سیستم حقوقی در کلیات، حدود ۲۰ حق با یکدیگر مشترک هستند. حقوقی مانند حق حیات، آزادی و امنیت، حفظ حیثیت و آبروی افراد، حق کار، حق تعلیم و تربیت، مساوات و برابری، و.... که هم حقوق بشر اسلامی بر آنها تأکید دارد و هم در اعلامیه بین المللی حقوق بشر مطرح شده است.

در واقع نه تنها بسیاری از محققین بر این عقیده هستند که شباهت‌های زیادی بین حقوق بشر اسلامی با حقوق بشر بین المللی وجود دارد؛ بلکه عده زیادی معتقد هستند که ریشه اعلامیه حقوق بشر از اندیشه‌های دینی و مخصوصاً از مبانی اسلام گرفته شده است. هر دو نظام حقوقی غرب و اسلام در درک و پذیرش پاره‌ای از نیازهای قطعی انسانها مشترک هستند. به عنوان مثال نظام حقوق بشر غربی به حقوق و تکالیفی که حیات طبیعی و حیات مطلوب انسان را تأمین نماید توجه می‌کند. حق حیات برای انسان در هر دو نظام حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است و دولت‌ها و حکومت‌ها متعهد و مسئول حفظ و نگهداری از این حقوق بنیادی می‌باشند. همچنین حق کرامت و حیثیت انسانی، حق تعلیم و تربیت و حق آزادی جز آن دسته از حقوق بشری هستند که هر دو نظام حقوق بشر اسلامی و غربی به آن پرداخته‌اند و دولت‌ها موظف و مسئول برای پاسداشت این حقوق می‌باشند. حق مساوات در برابر حقوق و قوانین و عدم تبعیض در روابط اجتماعی و ممنوعیت برده داری در هر دو نظام مورد توجه قرار گرفته اند.



عطف به اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی می توان افتراقات حقوق بشر اسلامی از حقوق بشر غربی را در موارد زیر قابل توجه دانست :

از افتراقات حقوق بشر اسلامی از حقوق بشر غربی بحث بعد معنوی و خدامحوری است .
متأسفانه حقوق بشر غربی از توجه به جنبه های معنوی انسان غافل مانده و نگاه مادی را در اعلامیه جهانی حقوق بشر در نظر گرفته است.

در حقیقت نگاه حقوق بشر اسلامی و محوریت آن، خداوند خالق هستی است، به عبارتی خدامحوری است ولی نگاه حقوق بشر غربی با محوریت انسان (اومانیزم) است. اگرچه هر دو نظام حقوقی به موضوع کرامت و حیثیت انسان توجه نموده اند ولی فلسفه چنین اوصافی در اعلامیه جهانی حقوق بشر مشخص نشده است که چرا انسان شامل این وصف شده است و در مقابل حقوق بشر اسلامی به استناد آیه شریفه ی احترام به کرامت و حیثیت انسانی ریشه در خلیفه الله بودن انسان دارد. اگرچه توجه به مفهوم آزادی هم در حقوق بشر غربی و هم در حقوق بشر اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است، ولی توجه به آزادی و حقوق انسانی در مفهوم غربی خود، متناسب با گریز از اندیشه دینی صورت گرفته است و آزادی انسان را به صورت مطلق و رها دیده است در حالی که در حقوق بشر اسلامی برخورداری از آزادی مشروط به عدم اخلال در انجام تکالیف فردی و اجتماعی ناشی از حقوق مردم جامعه می باشد.³

آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان و دخالت ندادن عوامل عارضی از قبیل نژاد، زبان، رنگ، ملیت و... در اعتباربخشی و امتیازدهی به انسان ها از اصول پایه حقوق بشر اسلام است. اسلام توجه زیادی به هدایت و رشد صحیح اخلاقی انسان دارد و هدف از خلقت را تکامل انسان و توجه او به مبدا عالم می داند. تمام ارزش و اهمیت انسان را در یکتا پرستی و درست کرداری و پرهیزگاری می داند و تنها معیاری که برای شرافت و عظمت و برترین انسان ها قائل است تقوا و پرهیزگاری است. ممنوعیت استعمارگری و حق مبارزه با آن یا حق مقابله با تجاوز به حیات انسان و نیز حق زندگی در محیط پاک و دور از مفسد اخلاقی و داشتن امنیت دینی علاوه بر امنیت های مربوط به جان و خانواده و ناموس و نیز اشاره به لزوم حفظ حرمت انسان حتی پس از حیات او و محترم شمردن جنازه او جزو آن دسته از حقوقی است که در حقوق بشر اسلامی به شدت مورد تاکید قرار می گیرد، در حالی که حقوق بشر غربی نسبت به آن ساکت است و یا این حقوق را از درجه اهمیت انداخته است.

³ خسرو شاهی-هادی-اسلام دین آینده جهان



حق برابری و عدم تبعیض از لحاظ، نژاد، رنگ، زبان و جنسیتی، حق حفاظت و نگهداری افراد بی گناه و زنان و کودکان در هنگام جنگ و نزاع و مداوای زخمی‌ها، حق حفاظت و نگهداری از اسیران و زخمی‌ها و حرمت مثله کردن کشته‌ها، حق جنین و اطفال بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران بارداری، طفولیت و تربیت نمودن و تامین مالی و بهداشتی، همگی جزو حقوقی هستند که در حقوق بشر اسلامی بدان توجه ویژه شده است. اسلام در یک نظام تعادلی مبتنی بر اصول (نه افراط و تفریط) (خوف و رجا) همیشه حقوق را در کنار تکالیف قرار داده و معنی نموده است. به عبارت دیگر حقوق بشر اسلامی زنجیره‌ای از حقوق و تکالیف را در جوامع انسانی ترسیم می‌کند که عملاً فضای مناسبی را برای تعامل و هماهنگی در رفتار افراد در جامعه تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال آزادی در اسلام با ریشه حق و تکلیف ارتباط دارد. آزادی به این معنی که هر فردی دارای حقوقی است و در برابر آن تکالیفی نسبت به خداوند متعال و دیگر انسان‌ها نیز دارد. همچنین آزادی با عدالت هم معناست؛ به این معنی که نه به کسی ظلم شود و نه کسی ظلم ببیند، یعنی در حد افراط و تفریط چیزی قرار نگیرد و همه چیز در حد اعتدال باشد. حقوق بشر اسلامی مبتنی بر اعتقاد به مشروعیت الهی و حکومت اسلامی است، که بر اساس حاکمیت خداوند و نفی حکومت‌های طاغوتی شکل می‌گیرد و مسئولیت‌پذیری زمامداران و صاحب‌منصبان حکومت بر اساس احکام شریعت اسلامی تعریف و تعیین می‌گردد. بدون شک حاکمیت اصل امر به معروف و نهی از منکر، ضمانت اجرای مناسب و مطمئن برای منویات و اهداف و اصول حقوق بشر اسلامی خواهد بود. در حقوق بشر اسلامی، حیات حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت کنند و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند. در این نظام حقوق بشری خداوند متعال کشتن به ناحق یک انسان را، کشتن همه انسان‌ها دانسته است؛ از نظر اسلام حیات موهبتی است الهی و حقیقت خدادادی و سلب آن به غیر اذن الهی جایز نیست و لذا در ذیل بند الف ماده دو حقوق بشر اسلامی آمده است: (کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست) تدابیر اسلام در پیشگیری از نقض حقوق بشر در حقوق بین‌الملل بسیار قابل توجه است. حمایت از همزیستی مسالمت آمیز و صلح پایدار، توجه به تامین امنیت فراگیر برای همه آحاد جامعه، نهادینه سازی گفتمان عدالت خواهی، اهتمام به تعلیم و تعلم و حاکمیت دانایی محوری و علم گستری، مبارزه با طاغوت و هر نوع از مظاهر فرهنگ سلطه‌گری و استکباری، مقابله با تفکر رباخواری و سرمایه اندوزی غیر مشروع، ارائه الگوی حیات طیبه در زندگی با معنویت، تنظیم روابط اجتماعی بر اساس اصل احترام متقابل، توسعه و گسترش معنویت، ارتقای باورهای در رعایت حقوق بشر، التزام به وفای به عهد از باب یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود، مقابله با مکاتب اندیشه‌های الحادی، کفر و ضد بشری همچون نژادپرستی، ارتقای جوهره اخلاص و معنویت در میان مردم، همگی از اصولی هستند که در حقوق بشر اسلامی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند.

نقض گسترده حقوق بشر توسط مدعیان حقوق بشر: با آن که سال‌ها از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر گذشته است نتایج به دست آمده توسط سازمان ملل متحد در اجرای مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی دولت‌ها و گروه‌های



حاکم بر سرنوشت جوامع بسیار نامناسب و ضعیف بوده است. مفاد این اعلامیه توسط خود حکومت‌ها و دولت‌های امضاکننده و گاه به وسیله ملت‌هایی که گرفتار تعصبات نژادی و قومی هستند نقض می‌شود؛ که نمونه آن در کشورهای مختلفی از قبیل جنوب لبنان، بوسنی و هرزگوین و کوزوو در یوگسلاوی سابق و سرزمین‌های فلسطین که سالیان متمادی توسط رژیم نژادپرست اسرائیل اشغال شده است مشاهده می‌گردد.

دولت ایالات متحده آمریکا که خود را از مدعیان حقوق بشر می‌داند و به نام و در دفاع از حقوق بشر و حاکمیت داخلی، حقوق بسیاری از کشورها را در دهه‌های اخیر نقض کرده است، با کارنامه آکنده از جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر در داخل و خارج این کشور خود را محکی برای سنجش حقوق بشر در کشورهای دیگر می‌داند و با همین سنگ محک کشورهای غیر همسو با سیاست‌های واشنگتن را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند.

متأسفانه بایستی اذعان نمود که، با آن که حقوق بشر و حفظ و حراست از کرامت انسانی یکی از مهمترین دغدغه‌های حقوق بشر بین المللی به شمار می‌رود، وجود جنایاتی مانند کشتار جمعی، تبعیض نژادی، فقر، قاچاق انسان، تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، تروریسم‌های دولتی، تقویت و تجهیز گروه‌های تکفیری و داعش و... همگی نشان‌دهنده آن است که متأسفانه جوامع انسانی به ویژه در کشورهای اسلامی همواره در معرض نقض اساسی حقوق بشر قرار دارند. به عنوان مثال با آن که امروز در شرایط شیوع پاندمی کوید ۱۹ قرار داریم، مشاهده می‌شود که حقوق بشر میلیون‌ها ایرانی با تشدید تحریم‌های ظالمانه اقتصادی آمریکا نقض می‌شود و کشورهای اروپایی متأسفانه به جای آنکه نقض حقوق بشر توسط آمریکا را محکوم کنند با سکوت، بلکه تایید تلویحی و یا صریح خود نسبت به اقدامات خصمانه آمریکا به نقض حقوق بشر آمریکا مشروعیت می‌بخشند.

بدون شک بیمارانی که در اثر تحریم دارو در معرض تشدید وضعیت درمانی خود قرار می‌گیرند نمونه بارزی از نقض بنیادین حقوق بشر دوستانه هستند. در این رابطه پرواضح است که دو اصل مهم حقوق بشر دوستانه، یعنی اصل تفکیک و اصل اجتناب از رنج و درد و افراد بی‌گناه با نقض فاحش مواجه شده است؛ ولی متأسفانه مکانیسم موثری برای جلوگیری از نقض این حقوق وجود ندارد.

حقوق بشر و چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران: موضوع حقوق بشر یکی از چالش‌های اساسی در روابط جمهوری اسلامی ایران پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران با برخی از کشورهای غربی بوده است؛ به نحوی که هر از چند گاهی گزارش‌هایی از سوی مجامع داخلی و بین‌المللی دنیای غربی در خصوص نقض حقوق بشر توسط ایران ارائه می‌گردد و رفتارهای نهادها و مقامات ایران در این خصوص را با تفسیر یک جانبه خود به چالش می‌کشاند. بسیاری از چالش‌های مزبور نتیجه در رفتارهای متفاوت جمهوری اسلامی ایران با دنیای غرب، بلکه در باورها و اعتقادات متفاوت و نظام‌های حقوقی گوناگون حاکم بر این دو جهان دارد. متأسفانه دنیای غرب بدون درک مناسب از تفاوت‌های فرهنگی و



دینی و ساختار حکومت اسلامی ایران و صرفاً بر اساس درک یک جانبه و وضع استانداردهای دوگانه خود، رفتارهای جمهوری اسلامی را زیر سوال می‌برد. بنابراین نگاه خصمانه دنیای غرب به موضوع حقوق بشر در ایران، از اولین روزهای نظام انقلاب اسلامی ایران تاکنون جزو ابزارهای سیاسی و اقتصادی فشار بر دولت جمهوری اسلامی و مردم شریف ایران بوده است.

بررسی مواضع غرب علیه ایران در حوزه حقوق بشر نشان می‌دهد؛ حقوق بشر به عنوان عامل ایجاد فشارهای حقوقی و سیاسی بر ایران، ریشه در تعارض مبنای فلسفی-فکری-دینی، ایران با غرب، به دلیل حاکمیت حقوق بشر اسلامی در ساختار نظام حقوقی خود دارد. و یا آنکه مولود مخاصمات سیاسی و اقتصادی غرب با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در هر حال استفاده از سلاح گزارشهای حقوق بشری بر علیه ایران توسط قدرتهای بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا بهانه‌ای برای به زانو درآوردن ایران در مقابل انتظارات مشروع و خواسته‌های استقلال طلبانه دولت و مردم ایران شده است.

ضرورت جهانی سازی حقوق بشر: در هر حال به دلیل عدم اجماع واحد بر حقوق بشر غربی و ابهامات گسترده در تعیین مفاهیم و مصادیق و ضمانت‌های اجرای آن در فضای بین‌المللی عده‌ای در خصوص جهانی بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ تردید نموده اند؛ اینان معتقد هستند که لازمه جهانی بودن حقوق بشر آن است که نظامات حقوق بشری به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر به همه فرهنگ‌ها توجه نموده و یا دست کم از قدر مشترک همه نظام‌های حقوقی منتشر می‌شود؛ ولی همانطور که برخی از دولت‌ها نظیر جمهوری اسلامی ایران، هند، چین و برزیل اعلام کرده‌اند؛ حقوق بشر مورد نظر غرب برخلاف فرهنگ و عقیده ی آنهاست. لذا در مسائل حقوق بشر بایستی به فرهنگ‌های بومی توجه شود و معیارهایی که صرفاً بر مبنای فرهنگ و سنن و فلسفه غربی است؛ بایستی جهانی تلقی شود. به همین مناسبت از هزاره سوم میلادی عده‌ای از حقوقدانان جوامع اسلامی و حتی غیر اسلامی، در صدد برآمدند تا با واکاوی در نظام حقوق اسلامی، حقوق بشر را با تفسیر اسلامی مورد کنکاش قرار داده و با بازخوانی این نظام، طرحی نو در آموزه حقوق بشر جهانی عرضه نمایند و همین دلیل در سال‌های اخیر باعث شد؛ مجامع حقوقی دانشگاه‌های کشورهای غربی، بیشتر از دانشگاه‌های کشورهای اسلامی به بررسی تحلیلی از حقوق بشر اسلامی و کشف مشترکات و اختلافات آن با نظام حقوق بشر غربی پردازند و در این راستا آثار علمی-پژوهشی گسترده‌ای در خصوص ماهیت، ابعاد، اصول و قواعد و مقررات حاکم بر حقوق بشری اسلامی به وجود آمده است. به علت نادیده گرفته شدن ابعاد معنوی و دینی انسان‌ها و تنها پرداختن به جنبه‌های صرف مادی و طبیعی حیات بشری، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کشورهای اسلامی بر آن شدند تا در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی، قوانین و مقرراتی را برای جنبه حقوق بشری بر اساس شریعت اسلام تدوین و تصویب کنند.

بنابراین، متن ۳۲ ماده‌ای منشور حقوق بشر اسلامی که در سال ۱۴۱۰ هجری مطابق با ۱۹۸۹ توسط نمایندگان دولت‌های اسلامی به کنفرانس تهران ارائه شد و متعاقباً در نوزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه در ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ مطابق با ۱۴ محرم



الحرام ۱۴۱۱ هجری و ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی در کنفرانس قاهره مورد بحث قرار گرفت و سرانجام با تغییراتی در ۲۵ ماده و یک مقدمه به تصویب اعضای کنفرانس اسلامی رسید. لازم است کشورهای اسلامی در توسعه پایدار و بهینه‌سازی اعلامیه حقوق بشر اسلامی و ضمانت اجرا بخشی، به آن از هرگونه تلاش و کوششی دریغ ننموده و بتوانند مکمل، بلکه جایگزین بی بدیلی برای اعلامیه جهانی حقوق بشر گردند.

در خصوص ضمانت اجرای حقوق بشری، رویکرد نظام حقوق بشر اسلامی علاوه بر اعمال ساز و کارهای بیرونی، تکیه خود را بر ابزارهای درونی همچون ایمان، باور و اعتقادات درونی، عدالت، خدا باوری و فرجام باوری، قرار داده است. حقوق بشر واژه ای عام است اما زمانی که پسوند اسلامی به دنبال آن می آید به طور انحصاری متعلق به آن بخش از مردم جهان می شود که یا مسلمان هستند و یا بر دین اسلام تاملی هرچند کوتاه دارند و معتقد اند؛ این حقوق در مقابل حقوق بشر غربی نگاهی و حیانی برای مردم جهان قائل شده و بر این باورند حقوق بشر اسلامی حامی مردم چه مسلمان و چه غیر مسلمان است. اصطلاح حقوق بشر نسبتاً جدید است و پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد ادبیات سیاسی و حقوق شده است. این عبارت جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی و حقوق انسان گردیده؛ که قدمتی بیشتر دارد. به طور کلی در مورد ماهیت حقوق دو نظریه وجود دارد: ۱- نظریه ای که بر اراده و انتخاب تاکید می ورزد ۲- نظریه که بر نفی یا مصححت تکیه می کند. چنانچه گفته شد اصطلاح حقوق بشر نسبتاً جدید است؛ بنابراین به طور قطع می توان گفت: که چنین عبارتی در ادیان و نظام‌های حقوقی وجود نداشته است. با این وجود الهیات، مبنایی برای نظریه حقوق بشر ارائه می دهد که از قانونی برتر از قانون دولت نشأت می گیرد و سرچشمه آن خداوند متعال است. در توضیح مبنا بودن دین، برای نظریه حقوق بشر می توان گفت: در همه ادیان انسان موجودی ارزشمند، با کرامت و به عبارتی مقدس نگریسته شده است. در عهد عتیق آمده است که آدم در صورت الهی آفریده شده است و این یعنی موجودات انسانی مُهر الهی بر پیشانی دارند که ارزش والایی به آنها می بخشد. قرآن هم در این زمینه می گوید: به راستی که ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم.

دستورات خداوند، منابع حقوق بشر اسلامی است. مبنا و منابع حقوق بشر اسلامی را اراده و دستورات الهی و مبنا و منابع حقوق بشر غربی را افکار و اندیشه‌های اشخاص می توان برشمرد.

آنچه که موجب تفاوت در بحث حقوق بشر اسلامی و حقوق بین الملل است؛ تفاوت در مبنا و منابع است. یعنی مبنا و منابع حقوق بشر غربی، افکار، ایده ها و اندیشه‌ها، اشخاص و به تعبیری امیال و آرزوهای آنهاست. در حالی که در اسلام مبنا، اراده خداوند است و سایر اراده ها در طول اراده خداوند قرار دارند و منبع حقوق بشر اسلامی نیز وحی و دستورات خداوند است که در قرآن آمده است. از نظر حقوق بشر بین المللی، این حقوق برخاسته از حقوق طبیعی و ذات انسان است که همراه انسان بوده است و دولت ها آن را کشف کردند و در نگاهی دیگر حقوق بشر، حقوق تسلیمی است که دولت ها آن را وضع کرده اند و خودشان ضامن اجرای آن هستند. از نظر اسلام، حقوق بشر از طرف خداوند به انسان اعطا شده است. چنانکه در قرآن



می‌فرماید: ما به بنی آدم کرامت بخشیدیم؛ که در اینجا کرامت، اعطایی است و فارغ از نژاد، رنگ و قبیله، کرامت ذاتی به انسان اعطا کرده است.

به دنبال این آیه آمده است: (انسان را بر زمین و آسمان و دریاها حاکم کردیم و این عزتی است که به انسان دادیم) و در جای دیگر می‌فرماید: (ما انسان را خلیفه و جانشین خود قرار دادیم و سایر ملائکه و فرشتگان باید به انسان سجده کنند) و از اینجا روشن می‌شود؛ که منابع و مبنای حقوق بشر در اسلام با نظام بین‌المللی متفاوت است. با وجود تفاوت مبنا و منابع ممکن است اشتراکاتی بین حقوق بشر اسلامی و بین‌المللی وجود داشته باشد که قابل انکار نیست. اعطای کرامت واقعی به انسان فقط در حقوق بشر اسلامی است. کرامت و اعطای آن به انسان یکی از اختلافات حقوق بشر اسلامی و بین‌المللی است. این کرامت به هیچ شکل خدشه پذیر نیست؛ اما کرامتی به نام کرامت اکتسابی نیز وجود دارد که حقوق بشر بین‌المللی آن را نمی‌پذیرد؛ یعنی انسان‌ها با رفتار پسندیده و اخلاق نیکو کرامت خود را افزایش داده و بر سایر انسان‌ها برتری می‌یابند.

حق حیات حقی است که خداوند به انسان به شکل مطلق اعطا کرده است؛ اما اگر فردی حق حیات دیگری را از او بگیرد اسلام قصاص را بر وی تعیین کرده است که این در حقوق بشر بین‌المللی پذیرفته نیست. در رابطه با دین و عقیده نیز اسلام می‌فرماید: که انسان تا زمانی که جستجو نکرده می‌تواند هر دینی را بپذیرد؛ اما وقتی دینی را پذیرفت دیگر آزاد نیست که دین خود را تغییر دهد ولی از نظر حقوق بشر بین‌المللی می‌تواند دین خود را تغییر دهد. حقوق بشر غربی حیوان را با ارزش تر از انسان می‌داند؛ در حالی که حقوق بشر اسلامی جان، مال و آبروی انسان را از مختصات حقوق بشر اسلامی می‌داند و مدعیان حقوق بشر غربی که در قبال کشته شدن یک شیر فریاد بر می‌آورند، اما کشته شدن هزاران فرد بی گناه را فراموش می‌کنند؛ حقوق بشری که غربی‌ها از آن دم می‌زنند نه تنها حقوق بشر نیست، بلکه پایمال کردن حقوق بشر و بشریت است. آنها می‌گویند: باید آزادی مطلق به زن و مرد داده شود، یعنی همجنس بازی، دایر کردن مراکز فساد و تبلیغ عقاید فاسد برای تمام بشر ممکن باشد و فرقی نمی‌کند که فردی میمون پرستد یا خدا را پرستد؛ اسلام اینها را حقوق بشر نمی‌داند چرا که در حقوق بشر باید انسانیت انسان محترم شمرده شود. به این معنا که خود انسانیت فرد، که اسلام به طور قاطع از این موضوع طرفداری می‌کند، زیرا انسان در این موضوع با حیوان متفاوت است. مال و ثروت انسان باید محترم باشد، در حالی که می‌بینیم در فلسطین ۶۰ سال است که صهیونیست‌ها مردم این سرزمین را از خانه هایشان و مایملک شان رانده اند. باغ‌ها را با آتش می‌کشند و زمین‌ها را با بولدوزر ویران می‌کند و صدا از مدعیان حقوق بشر بر نمی‌آید.

در حالی که چنان چه یک شیر در آفریقا یا هندوستان کشته شود؛ صدای جهان بلند می‌شود که این شیر چنان بود و چنان، ولی در مقابل تمام اقدامات وحشیانه و ضد حقوق بشری در فلسطین، عراق و سوریه که باعث کشته شدن صدها و هزاران نفر شده است؛ هیچ کسی دم از حقوق بشر نمی‌زند.



آبرو و ناموس و شرف انسان را از دیگر مختصات حقوق بشر اسلامی می توان شمرد؛ وجود مراکز فساد در جهان یک طرف موضوع است؛ و مسائلی همچون جهاد نکاح که داعش در عراق انجام می داده است و شمار زیادی از زنان را به علت مخالفت با جهاد نکاح اعدام کرده است؛ صدایی از مدعیان حقوق بشر بر نخواست، این هم موضوع دیگری است.

خون بشر از دیگر موارد محترم در حقوق بشر اسلامی است. در برخی مناطق کودک ۱۸ ماهه را به آتش می کشند و صدایی از حقوق بشر بر نمی آید اما در اسلام آمده است نباید سیلی ناحقی به کسی زد و حتی اگر همسر به روی همسر سیلی بزند و آن منطقه آسیب ببیند باید دیه پرداخت کند. در جمهوری اسلامی ایران فردی که آدم ربایی، زنا یا به عنف یا قتل انجام داده است توسط دادگاه محکوم می شود و اعدام یا زندانی می شود و صدای مدعیان حقوق بشر بر می خیزد؛ که این چنین و آن چنین است. ولی از سوی دیگر عربستان سعودی که ماهه است شب و روز، مردم یمن را کشتار می کند صدای مدعیان حقوق بشر را در نیارده است. مسئولین آمریکا می گویند ایران باید به سبب رعایت نکردن حقوق بشر محاکمه و تحریم شود در حالی که خودشان حقوق بشر را رعایت نمی کنند و در جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق را به انواع تجهیزات و حتی بمب شیمیایی مسلح کردند؛ که هزاران نفر از مردم سرزمین ما را به خاک و خون کشیدند، بنابراین بین حقوق بشر مورد نظر اسلام و حقوق بشر غربی ها تفاوتی اساسی وجود دارد.⁴

حقوق بشر مورد نظر اسلام را با فطرت بشر هماهنگ می داند ولی آنچه آنان می گویند در راستای منافع خودشان است و کاری به دین مسیحی، یهود، اسلام، ندارند. یکی از علل اختلاف مبانی حقوق بشر اسلامی و غربی تفاوت تعریف از بشر در بین کشورهای اسلامی و غربی است. حقوق بشر در جامعه جهانی امروز که گام های بلندی به سمت یکسان سازی در قواعد و جهانی شدن در موضوعات اقتصادی برداشته است، شاهد اختلافات بنیادین بین کشورهای جهان است.

در کشورهای اسلامی همچون ایران این اختلاف در حقوق بشر دیده می شود و حتی در کشورهای بودایی نیز بسیاری از معیارهای حقوق بشر که بر مبنای اعتقادات غربی شکل گرفته، پذیرفته نمی شود. تفاوت مبانی حقوق بشر در بین کشورهای مختلف به خصوص کشورهای اسلامی و غربی ناشی از تعریف متفاوت دو طرف از بشر، در رابطه با دنیا و آخرت و قایل شدن به زندگی پس از مرگ، در نظر مسلمانان می باشند؛ بنابراین طبیعی است که این اختلاف نظر وجود داشته باشد.

⁴ رنه-داوید-نظام های بزرگ حقوقی معاصر-ترجمه ی صفایی



نتیجه گیری: علی رغم ادعاهای سیستم سیاسی و رسانه‌ای غرب نه تنها آموزه‌های اسلامی مخالفتی با حقوق بشر ندارد؛ بلکه به صورت منطقی و عقلایی، حقوقی را برای انسان‌ها به رسمیت شناخته است. البته برخی از این حقوق در منشور حقوق بشر غربی نیز انعکاس یافته است. اما با توجه به جامعیت حقوق بشر اسلامی، نظریه حقوق بشر اسلامی بر نظریه حقوق بشر غربی ترجیح دارد. همچنین که از این مقاله استظهار می‌شود؛ حقوق بشر رابطه مستقیم با انسان شناسی و جهان بینی نظام‌های حقوقی دارد.

با توجه به جامعیت حقوق بشر اسلامی به جهت الهی و وحیانی بودن آن این پژوهش و پژوهش‌های محققین دیگران مطلب را به وضوح ارائه داده اند که حقوق بشر اسلامی به تمام ابعاد انسانی و الهی فرد توجه ویژه دارد بنابراین بهترین احکام در میان جامعه نیز تبعاً احکامی خواهند بود که از این منبع عظیم سرچشمه گرفته باشند.

پیشنهادات

الف) ضرورت بازنگری در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر: اعلامیه جهانی حقوق بشر در شرایط زمانی خاص به وجود آمده است؛ و پس از جنگ جهانی تدوین شده است و تا امروز حدود ۶۶ سال از زمان تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد و شرایط جهانی و روابط اجتماعی تحول زیادی یافته است و هم اکنون کاستی‌ها و نارسایی‌های فراوانی دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر باید ضمن بازبینی، مطابق شرایط امروز تغییر یافته و مجدداً بازبینی و بازنویسی شود.

ب) ضرورت تدوین تکالیف بشر در کنار حقوقی که برای او تعیین شده است: از آنجا که تعیین حقوق بشر به تنهایی نمی‌تواند زمینه ساز جامعه سالم و حقوق افراد باشد؛ لذا لازم است جامعه جهانی در کنار حقوق بشر تکالیف و مسئولیت‌های افراد را نیز تعیین و مشخص نماید؛ تا این دو به عنوان مکمل یکدیگر بتوانند تضمین کننده حقوق بشر واقعی باشند.

ج) رفع نواقص جهان شمولی و مغایرت های حقوق بشر با مبانی دینی و فرهنگی ملل مختلف: با توجه به تنوع فرهنگی جوامع مختلف از آنجا که وضع قانونی جامع و فراگیر، بدون لحاظ اختلاف فرهنگ‌ها ممکن نمی‌باشد؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر باید به گونه‌ای اصلاح و بازسازی شود که حتی الامکان مشترکات ملل و جوامع مختلف و مسلمانان را که ۲۵ درصد جمعیت کره زمین و یا یک چهارم کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در برگیر



منابع :

۱. قرآن کریم
۲. حقوق مدنی اسلامی جلد ششم
۳. مقایسه حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی
۴. پیام خرد، جعفری محمد تقی، تهران انتشارات موسسه تدوین، نشر آثار علامه جعفری
۵. تکاپوگر اندیشه ها، زندگی و آثار و اندیشه های علامه جعفری
۶. حقوق جهانی بشر جعفری تبریزی
۷. مقاله در هم اندیشی ،حقوق بشر جعفری لنگرودی
۸. حقوق و آزادی های اساسی ،رافعی ،آلن اف،چالمرز
۹. چیستی علم حقوق بشر ترجمه سعید زیبا کلام
۱۰. مبانی حقوق بشر سید صادق حقیقت
۱۱. دنیای متجدد ترجمه ضیا الدین دهشیری